

تأثیر تبلیغات رسانه‌های غربی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق بحران هویت

یوسف خان محمدی^۱، مسعود کاوه^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۵

چکیده

در این پژوهش به بررسی تأثیر تبلیغات رسانه‌های غربی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق بحران هویت پرداخته شده است و تأکید پژوهش، قلمرو زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ است. روش پژوهش، روشی کیفی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که تأثیر رسانه‌های بیگانه بر امنیت ملی ایران در طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ چگونه بوده است؟ برای این پرسش فرضیه این گونه طراحی شد که رسانه‌های خارجی با هدف قراردادن ارزش‌ها و باورهای مردمی به‌عنوان مهمترین مؤلفه‌های هویتی، امنیت ملی را در معرض آسیب قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش گویای آن است که رسانه‌های غربی با القای ارزش‌هایی مغایر با ارزش‌های اسلامی و انقلابی موجب بحران هویت در سه سطح فردی، اجتماعی و ساختار قدرت شده‌اند و از این طریق امنیت ملی ایران را مورد تهدید قرار داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تبلیغات رسانه‌های غربی، امنیت ملی ایران، بحران هویت.

^۱ . استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسئول).

^۲ . دانشجوی دکتری علوم سیاسی - مسایل ایران، دانشگاه مفید، قم، ایران.

مقدمه

امنیت ملی بقای دولت را از طریق به کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ می‌نماید. مکتب کپنهاگ از مکاتبی است که تأکید فراوانی بر «امنیت» داشته است. این مکتب موضوع امنیت ملی را به هویت ملی ربط داده و باعث می‌شود که موضوع مزبور جزء ترکیب‌کننده امنیت ملی به حساب آید؛ بنابراین اگرچه به طور سنتی، نظریه امنیت ملی به حوزه نظامی وابسته بود، اما امروزه این امنیت ملت‌هاست که به عنوان مهمترین به وجود آورندگان مفهوم هویت، امنیت ملی را تعیین می‌نماید (Chena, 2008: 28).

مفهوم هویت نقطه عزیمت، پایگاه انسجام اجتماعی و حفظ نظم در سطح کلان و لنگرگاه ثبات اجتماعی تلقی می‌شود. هویت عامل انسجام‌بخش بوده و خصلت تنظیم‌کنندگی را به آحاد مردمان جامعه اعطاء می‌کند. بنابراین، تزلزل آن پایه‌های همبستگی و انسجام اجتماعی را تضعیف می‌کند و این مسئله امنیت ملی را با چالش مواجه می‌سازد (داوودی و ملکی، ۱۳۹۳: ۳۷).

امنیت ملی هر کشور از طرق مختلف ممکن است در معرض تهدید قرار گیرد؛ یکی از مهمترین روش‌هایی که امروزه و در جریان جهانی‌شدن از طریق آن امنیت ملی کشورها در معرض آسیب قرار گرفته است، مورد هدف قرار گرفتن هویت یک ملت از رهگذر رسانه‌های خارجی است. می‌توان اذعان نمود که رسانه‌های خارجی می‌توانند با هدف قرار دادن فرهنگ یک ملت و اذهان مردم، ارزش و باورهای آن ملت را زیر سؤال برده، مخدوش ساخته و از این رهگذر امنیت ملی را مورد تهدید قرار دهند.

یکی از تأثیرات رسانه‌ها بر مخدوش شدن هویت افراد و پیامد آن را می‌توان در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸ که هم وجه فردی و هم وجه اجتماعی دارد، مشاهده نمود. حوادث ۱۳۸۸ و پیامدهای آن تا سالهای ۱۳۹۶ امنیت ملی ایران را با مخاطرات زیادی روبرو ساخت. با توجه به وجه حیاتی این مسأله برای پرستیژ ملی و بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی ایران، در این نوشتار به بررسی مقوله هویت و امنیت ملی با نگاه تأثیر رسانه‌های بیگانه بر این مقوله‌ها پرداخته می‌شود.

بیان مسأله

تهدید هویتی ناشی از شکل‌گیری تعارض در ایدئولوژی‌های پیشین، یکی از اصلی‌ترین تهدیدهایی است که امنیت ملی را دچار مخاطره می‌سازد. این نوع تهدید شامل تلاش برای گسترش جدایی هویت فرهنگی و قومی بین گروهها در کشور هدف است (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۴-۱۴۳). ایجاد این بحران‌ها می‌تواند از طریق رسانه‌ها باشد. بحران هویت ابتدا در ابعاد فردی و اجتماعی شکل گرفته سپس امنیت ملی را با مخاطرات زیادی روبرو می‌سازد و تأکید می‌گردد که در این روند تأثیر پررنگ رسانه‌ها انکارناپذیر بوده است. کما این که متأثر از این پدیده شاهد هنجارشکنی‌ها، بحران ارزشی و هویتی و نمود آن در حوادث ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ بوده‌ایم.

جمهوری اسلامی ایران همواره آماج جنگ نرم رسانه‌ای نظام تبلیغاتی غرب بوده است. نقطه اوج کاربرد روشهای نرم‌افزاری نوین با محوریت رسانه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ بود. بی‌تردید ماهیت اصلی حادثه ۸۸ را باید از نوع جنگ نرم رسانه‌ای دانست؛ زیرا در این جنگ نرم‌افزاری، رسانه‌های سنتی از جمله خبرگزاری‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های نوین مانند سایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی عوامل اصلی اعمال تهدید بودند که طی چند ماه پیچیده‌ترین شیوه‌های عملیات روانی را برای تأثیرگذاری هدفمند بر افکار عمومی جامعه ایرانی و شوراندن آنها علیه حاکمیت به کار بستند. مهمترین ابزار بیگانگان برای تأثیرگذاری بر روند انتخابات ایران در سال ۱۳۸۸، به خصوص در پی وقایع پس از آن رسانه‌های مختلف مکتوب، شنیداری، دیداری و... بوده است. در میان رسانه‌های مذکور، نقش و تأثیر رسانه‌های اجتماعی برای تصاحب افکار عمومی و رقم زدن مانورهای جمعیتی و خیابانی و آشوبهای به وقوع پیوسته در تهران بی‌بدیل بود. حوادث سال ۸۸ به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران لطمه زده و موانعی سر راه پیشرفت کشور ایجاد کرده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۶) این پدیده منافع ملی کشور را در معرض آسیب‌های فراوانی قرار داد. تأثیر بر امنیت ملی کشور در این مقطع از رهگذر رسانه‌ها از طریق ایجاد زلزله در باورهای ارزشی و هویتی مردم شکل گرفت.

با توجه به اهمیت حیاتی مسأله هویت و باورهای و هنجارهای ارزشی برای مقوله امنیت ملی ایران، در این مقاله به مطالعه این موضوع پرداخته و به دنبال بررسی این مسأله هستیم که تأثیر رسانه‌های بیگانه بر امنیت ملی ایران در طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ چگونه بوده است؟ فرضیه اولیه برای پاسخ‌گویی به این مسأله، این است که رسانه‌های خارجی با هدف قرار دادن ارزش‌ها و باورهای مردمی به عنوان مهمترین مؤلفه‌های هویتی، امنیت ملی را در معرض آسیب قرار داده‌اند.

روش انجام پژوهش

روش پژوهش حاضر با استفاده روش اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد که شامل جمع‌آوری اطلاعات و منابع کتابخانه‌ای و اسناد، برای آزمودن فرضیه و پاسخ به مسأله موضوع مورد مطالعه است. ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری از منابع مطالعاتی اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌های مرتبط و منابع خارجی است. روش تحقیق حاضر تحلیلی، تبیینی بوده و نوع تحقیق؛ عملی است. روش تجزیه‌تحلیل اطلاعات، روش توصیفی-تحلیلی است. همچنین در این روش با تکیه بر اسناد و مدارک و تحلیل عقلانی در چارچوب نظریه سازه‌نگاری به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

چارچوب نظری پژوهش: نظریه سازه‌نگاری

سازه‌نگاری هنگام تبیین رفتار کنشگران، بر اولویت متغیرهای غیرمادی و به طور مشخص هنجارها، فرهنگ، هویت و اندیشه‌ها تأکید دارد (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۲۰۴). سازه‌نگاری با مطرح کردن اهمیت مفاهیمی چون فرهنگ، هویت و قواعد، بر اهمیت ساختارهای هنجاری و نقش هویت در ساخت منافع و کنش‌ها تأکید می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۶۵۹).

در دید سازه‌انگاران ابعاد غیرمادی مثل هویت بر امنیت ملی تأثیر خواهند گذاشت. در واقع امور غیرمادی در کنار ابعاد مادی و در اتصال باهم قرار دارند که تفکیک آنها بدون توجه به هریک باعث مغفول ماندن ابعاد مهمی از آن شده و تحلیل امور موجود را سخت و حتی به گونه‌ای ناممکن می‌سازد (باهوش‌فاردقی، ۱۳۹۶: ۱۰۹). توجه به عنصر امنیت ملی در این نظریه به معنای مفروض دانستن آنها نیست؛ چرا که در این نظریه، نظریه‌پردازان همانطور که دولت را متأثر از عناصر مختلف و دارای شکل یکپارچه نمی‌دانند و عناصر و هویتها در ایجاد و جهت‌دهی آن دخیل‌اند؛ امنیت نیز پدیده متکثر است که ابعاد غیرمادی نیز در آن دخیل بوده است (Hymans, 2002: 7) که خود می‌توان زمینه تقویت یا تضعیف هویت ملی و به تبع آن تقویت یا تضعیف امنیت ملی را به همراه داشته باشد.

سازه‌انگاران سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها، خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند امنیت بیش از آنکه بر عوامل مادی قدرت متکی باشد، بر میزان فهم مشترک بازیگران از یکدیگر قرار دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۴۶) و این هنجارها مفهوم امنیت را نیز می‌سازند

ونت بر آن است که رابطه متقابل ساختار-کارگزار سبب شده که ما را از جبرگرایی که ساختاری در ابعاد مختلف از جمله امنیت ملی تحمیل می‌کند، برهاند و در عین حال، به دام اراده‌گرایی که ممکن است ایجاد شود، در نیافتد (سازه‌انگاری در روابط ساختار-کارگزار خود، امنیت ملی را به امنیت در سطح منطقه و جهان نیز متصل ساخته است) (سیف‌زاده، ۲۹۱-۲۹۰: ۱۳۸۲). بدین ترتیب می‌توان گفت امنیت ملی از طریق بحران هویت در سطح ملی به سطح منطقه نیز سرایت کند.

در دیدگاه سازه‌انگاری در وضعیتی که ارزش‌های بخشی از جامعه به دلیل غفلت و یا به هر دلیل دیگری با ارزش‌های فرهنگی جوامع دیگر ادغام یا به فراموشی سپرده شود، سیر فرایندی خود را طی و در شرایطی که به حوزه‌های ملموس اجتماعی کشانده می‌شود، به دنبال بروز شرایطی باشد تا از آن به عنوان فرصت برای تجلی هویت متمایز خود از هویت نظام حاکم بهره‌برداری نماید، آنگاه امنیتی شدن فضا موضوعیت می‌یابد. امنیتی‌سازی اگرچه راهکاری برای حکومت‌ها در برون رفت از معضلات بشمار می‌رود، اما لزوماً موفقیت‌آمیز و ایده‌آل نبوده و می‌تواند به نوبه خود عوارضی نظیر مخدوش‌ساختن رویه‌های دموکراتیک و نیز تشدید و دامن زدن به معمای امنیت برای دولت‌ها ایجاد نماید (Waver, 2002, p708). این امر پیوند امنیت ملی را با هویت دیدگاه سازه‌انگاری نشان می‌دهد.

کاربست نظریه سازه‌انگاری در پژوهش حاضر

مبحث حاضر بر مباحث هویتی و پیوند آن با مسأله امنیت ملی تأکید دارد. سازه‌انگاری جامع‌ترین نظریه‌ای است که این دو مفهوم را در بردارد، زیرا مسائل هویتی را تحت پوشش قرار داده و با پیوند مسائل هویتی مسأله امنیت را تعریف می‌کند. طبق نظریه سازه‌انگاری بحران هویت محصول دو عنصر می‌باشد: الف-عوامل داخلی: ناکارآمدی نظام سیاسی ب- عوامل خارجی: وجود مدل موفق از یک نظام سیاسی پیشرفته که مردم کشور خود را با آن نظام مقایسه می‌کنند

یا تبلیغات رسانه‌های خارجی از بیرون فضای ناکارآمدی را نشان می‌دهند که از نظریه سازه‌انگاری می‌توان برای پوشش این دو عامل بهره‌برداری کرد.

مفهوم امنیت در دیدگاه سازه‌انگاران، به دلیل گسترش تکنولوژی و شکل‌گیری جامعه پسا صنعتی و با توجه به تأکید بر نقش محوری انگاره‌ها، ساخت بین‌الذهانی واقعیت و جایگاه ویژه هویت، توانسته است تحلیلی ذهنی و کیفی از مفهوم امنیت ارائه دهد؛ در واقع هویت از یکسو با بازشناسی خودی و دیگری و مرزبندی هویتی که سبب تعریف مفهوم دوست و دشمن شده و از طرفی دیگر با ایجاد زمینه‌های اتحاد یا انشقاق ملی عامل اساسی در امنیت ملی محسوب می‌شود و به این ترتیب زمینه‌های تحکیم و یا ضعف امنیت ملی را فراهم آورده است. از منظر سازه‌انگاری تهدید علیه انگاره‌ها و هویت یک ملت و کشور تهدید علیه امنیت ملی آن کشور محسوب می‌شود.

برخی از هنجارهای هویتی در کشورها به عنوان یک رکن اساسی محسوب می‌شود که تداوم و بقا آنها حیات یک جامعه را تضمین می‌کند؛ از این رو تقویت آنها جزئی از امنیت ملی محسوب می‌شود و تضعیف آنها امنیت ملی یک کشور را به مخاطره می‌اندازد؛ چنانکه تهدید علیه این هنجارها را می‌توان تهدیدی علیه کشور و امنیت آن تفسیر کرد؛ چراکه پایه‌ها و ارکان جامعه را به لرزه در خواهد آورد. این رابطه مستقیم امنیت ملی و هویت را نشان می‌دهد (Hymans, 2002: 7-8). بحران هویت شاخص‌های امنیت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال از جمله عناصر هویت‌ساز نظام جمهوری اسلامی، ارزش‌های اسلامی است و هدف اصلی نظام پیاده‌کردن ارزش‌های اسلامی است که از اصول انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

در یک جمع‌بندی کلی نظریه سازه‌انگاری بر اهمیت متغیرهای داخلی یا اجتماعی در بحران هویت و امنیت تأکید می‌کند. در بحران هویت در ج.ا.ایران هم به جامعه داخلی و هم متغیرهای نظام بین‌الملل توجه می‌شود. در این پژوهش در بعد متغیرهای نظام بین‌الملل بر اهمیت عواملی همچون گسترش تکنولوژی یعنی تأثیر رسانه‌های خارجی بر بحران هویت در سطوح مختلف تأکید شده است. این بحران منجر به دوگانگی ارزشی در نظام شده که تبعاً این دوگانگی‌ها امنیت ملی را به مخاطره انداخته و مورد تهدید قرار می‌دهد.

مفهوم‌شناسی پژوهش

هویت و بحران هویت: کلمه «هویت» از نظر لغوی به معنی «هستی، وجود، ماهیت، سرشت» است و ریشه لغوی آن از واژه «هو» گرفته شده که اشاره به غایت، نهایت و کمال مطلق دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۳). در شکل‌گیری هویت و خودآگاهی دیگران دارای اهمیت خاصی هستند. ما فقط از طریق آگاه‌شدن از آگاهی کسی دیگر در مورد ما، از خودمان آگاه می‌شویم. در حالتی که دیگران را رد می‌کنیم، آنها همچنان بخشی از خودآگاهی ما هستند (فهرمانپور، ۱۳۹۴: ۶۲). در ارتباط با دیگری یا دیگران دو مفهوم تشابه و تفاوت معنا می‌یابند.

یکی از متداول‌ترین انواع هویت، هویت فردی و اجتماعی است؛ هویت فردی هویتی است که به ویژگی‌های فرد اشاره دارد. هویت فردی بیشتر در چارچوب روابط اشخاص جلوه می‌کند (عیوضی، ۱۳۸۰: ۱۸۰). هویت جمعی، تمام افراد جامعه را دربرمی‌گیرد. در این حالت دنیای درونی افراد با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌شود. افراد از طریق هویت‌های خود در کنار یکدیگر جمع شده عضو از جامعه می‌شوند (نظری، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۵).

هویت ملی به عنوان مهمترین سطح هویت در نظام اجتماعی و اصلی‌ترین مرجع تعیین‌کننده هویت افراد، در فرایندی تدریجی و انباشتی شکل می‌گیرد، تعهد و تعلق افراد را به جامعه خود تقویت می‌کند و زمینه‌ساز همبستگی ملی و وفاق اجتماعی می‌شود. امروزه یکی از مراجع اصلی تعیین‌کننده هویت، هویت ملی است که متشکل از عوامل عینی و ذهنی متفاوتی است. هویت ملی، مفهومی دو وجهی است؛ بدین معنی که همزمان بر تشابه و تمایز دلالت دارد (کاستلز ۲۰۱۰: ۸). در جریان جهانی‌شدن و گسترش اطلاعات و ارتباطات، جوامع مختلف با روبرو شدن با فرهنگ‌ها و هنجارهای مختلف دچار بحران هویت شده‌اند.

بحران هویت به معنای گسستن و بیگانه شدن انسان از اصل و جوهر خویش و پیوستن به اصل و جوهری دیگر یا تعدد و تنوع هویت‌های جمعی و خاص‌گرایانه و ضعف هویت جمعی عام در درون یک جامعه بوده و دربرگیرنده آن چیزی است که جامعه و افراد را در فرایند گسستن‌ها و پیوستن‌ها با مشکل و ابهام روبه‌رو می‌سازد (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۲۷). به تبع جامعه ایرانی نیز در این روند دستخوش تغییرات فرهنگی و هویتی شده و دچار بحران هویت شده است. در این جریان عوامل مختلفی دخیل هستند که به زعم صاحب‌نظران این عرصه یکی از اصلی‌ترین عوامل این بحران، گسترش رسانه‌های جهانی و اشاعه فرهنگ‌های مختلف در سطح نظام بین‌المللی است.

امنیت ملی: امنیت دارای صفات و ویژگی‌های است که برخی عبارتند از: ۱- امنیت امری نسبی است، ۲- امنیت پدیده‌ای ذهنی است، ۳- بین امنیت و قدرت رابطه منطقی و همیشگی وجود دارد، ۴- نامشخص و گسترده بودن عرصه، قلمرو و حریم امنیتی (باهوش فاردقی، ۱۳۹۶: ۱۰۶). یکی مهمترین انواع امنیت، امنیت ملی است؛ این نوع امنیت، حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۸).

تأثیر رسانه‌های خارجی بر هویت افراد و امنیت ملی

یکی از روش‌های تأثیر بر امنیت ملی کشورها، کاربرد شیوه‌های جنگ نرم و عملیات روانی است. جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای، جنگ رسانه‌ای برای کنترل اذهان و قلوب مردم است. جنگ نرم در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی اجتماعی حاکم، تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند. در جنگ نرم تلاش می‌شود به مراکز ثقل موضوعات مرجع امنیت نرم یعنی مشروعیت نظام سیاسی، وحدت و تمامیت ملی کشور، اعتماد ملی و وفاق ملی سیاسی که خود از منابع بسیار مهم سرمایه اجتماعی هستند، صدمه وارد شود (متقی، ۱۳۸۹). در جنگ نرم تلاش می‌شود تا حد امکان میزان رضایت مردم از کارایی نظام کاهش یابد. کاهش رضایت مردم خود نقشی بسیار مهم در کاهش انعطاف‌پذیری ملی و حساسیت

سیاسی دارد. در جنگ نرم عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید فهم و درک کند (Nye, 2008: 76).

در زمینه تحلیل نقش استفاده از رسانه در تضعیف هویت ملی باید گفت با گسترش روزافزون رسانه‌ها به ویژه در جوامع در حال گذار، روند نوسازی به تضعیف پیوندهای سنتی می‌انجامد. این رسانه‌ها می‌توانند در نگرش‌ها، رفتارها و هویت شهروندان تأثیر بگذارند و همدلی و احساس تعلق ملی را کاهش دهند. کاستلز معتقد است رسانه‌های نوین ارتباطی با دگرگون ساختن بنیادین ماهیت ارتباطات، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر و شکل‌دهی فرهنگ‌ها و هویت ملی شهروندان ایفا می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۳۸۴-۳۸۳).

امروزه رسانه‌ها برای تأثیرگذاری بر هویت و در راستای بهره‌گیری و کنترل روایت، از روشهای مستقیم و غیرمستقیم مؤثری بهره می‌جویند. ارائه اخبار و گزارشها، برنامه‌ها و فیلمها و داستانها، همه می‌توانند با بهره‌گیری از فنون و روشهای حرفه‌ای و از طریق شکل‌دهی به تصور مخاطبان، گزینش و بزرگ‌نمایی یا احیای خاطره و عمده کردن امور و... ابزار بسیار قدرتمندی محسوب شوند (Tileaga, 2008: 382-359). از عوامل تأثیرگذاری رسانه‌ها بر قدرت دولت، نقش آنها در شکل‌دهی به منابع سه‌گانه هویت است. از دید کاستلز، رسانه‌ها نقشی اساسی در شکل‌گیری جنبشهای هویت‌محور دارند (کاستلز، ۱۳۸۵: 323).

نقش رسانه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری بحران هویت فردی در ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی

نقش رسانه‌های غربی بر شکل‌گیری بحران هویت و بویژه بحران هویت فردی در ایران بویژه در قلمرو زمانی مورد مطالعه دارای نقشی حائز اهمیت است. در این رابطه می‌توان از اصطلاحی همچون «رسانه‌های فعال در مقابله با هویت بومی» نام برد؛ محور فعالیتهای این رسانه‌ها در ایران را می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

___ شکل به چالش کشیدن هویت بومی مذهبی (صدها رسانه از طریق القای عناصر ضد دینی، سکولار، مادیگرایانه و برنامه‌های لذت طلبانه غیر دینی در این عرصه فعالند)؛

___ به چالش کشیدن هویت ملی ایرانی (دهها رسانه با تلاش در ایجاد یا تقویت هویت‌های قومی، تلاش می‌کنند در هویت ملی تشکیک ایجاد کرده یا زبان فارسی را تضعیف کنند)؛

___ به چالش کشیدن عناصر مذهبی (رسانه‌هایی با شکل افراطی‌گری مذهبی همانند رسانه‌های سلفی یا حتی افراطی شیعی، یا به شکل دعوت برای ادیان و فرقه‌های انحرافی و تبلیغ سایر ادیان را می‌توان در این بخش قرار داد)؛

___ به چالش کشیدن هویت سیاسی (رسانه‌های سیاسی و وابسته به گروهک‌ها و جریان‌های سیاسی)؛

— به چالش کشیدن روایت سیاسی جامعه ایران (دهها شبکه خبری به زبان فارسی توسط آمریکا و سایر کشورهای عربی و همچنین کشورهای منطقه)؛

— به چالش کشیدن اخلاق جامعه و نفی الگوی زندگی بومی (دهها رسانه با ترویج الگوهای ضد بومی اخلاقی، ترویج بی‌بندوباری و به اصطلاح ارائه الگوی زندگی آمریکایی، در جهت به چالش کشیدن اخلاق و الگوی زندگی بومی تلاش می‌کنند) (امینیان و تیمورپور، ۱۳۹۱: ۷۶-۷۵).

رسانه‌های غربی، در ایجاد بحران هویت فردی در ایران در دوران اخیر تأثیر بسزایی داشته‌اند. یکی از مهمترین تأثیرات پیام‌رسان‌های خارجی بر کاربران، به چالش کشیده شدن هویت کنونی آنهاست. این نرم‌افزارها نخست از کاربران معنازدایی می‌کنند و منابع هویت‌ساز او را به چالش می‌کشند، سپس با ظرفیت‌هایی که در اختیار آنها می‌گذارند، این امکان را برای کاربران ایجاد می‌کنند که هویت خودساخته و مطلوب خود را ارائه دهند، اما باید توجه داشت که شکل‌گیری و بروز این هویت خودساخته، ناشی از تأثیرات فضای گفتمانی حاکم بر این پیام‌رسان‌ها بوده است.

مسئله‌ای که در فضای مجازی باعث چالش هویتی شده، این است که محیط فرهنگی حاکم بر این فضا برخاسته از شالکه‌های فرهنگی است که در تعارض با فرهنگ اسلامی-ایرانی است. این محیط دست‌پرورده کسانی است که با ارائه محیط فرهنگی بر اساس گفتمان غربی، مانع از هویت‌یابی جوانان بر اساس فرهنگی بومی می‌گردد.

بدین ترتیب یکی از مهمترین آسیب‌های پیام‌رسان‌های خارجی، مسئله امپریالیسم فرهنگی است، در این بستر فراهم شده، شرکت‌های سازنده، به راحتی می‌توانند ارزش‌های خود را به مخاطبان تزریق کنند. مسئله دسترسی به اطلاعات مخاطبان پدیده حساسی برای امنیت اطلاعات هویتی مخاطبان محسوب می‌گردد. شرکت‌های سازنده با رصد کردن اطلاعات مخاطبان می‌توانند به علایق و گرایش‌های کلی کاربران دسترسی پیدا کرده و ارزش‌های خود را در قالب الگوهای مشابه به کاربران القا نمایند.

در ایران شاهد تأثیرات این پدیده بر ابعاد فردی و اجتماعی هویت افراد هستیم که ابتدای سال‌های ۱۳۸۸ بیشتر در قالب شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و توییتر بوده و بعدها با گسترش دیگر شبکه‌های اجتماعی ابعاد این تأثیرات نیز گسترده‌تر شد. متأثر از عوامل مذکور بحران هویت فردی نمود پیدا می‌کند که برخی از این آثار و نمودهای بحران هویت فردی در ایران عبارتند از: احساس پوچی، تحلیل‌رفتن از درون، از خود بیگانگی، احساس تنهایی در میان جمع و جامعه، جست‌وجوی هویت منفی و... اگر نوجوان و جوان نتوانست از راه هویت مثبت و قبول مسئولیت‌ها، نقش‌های خود را بروز بدهد، به هویت منفی روی می‌آورد. یعنی کاملاً برعکس چیزی که جامعه از او انتظار دارد، عمل می‌کند (کاوسی و حسین‌زادگان، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

در رابطه با تأثیر بحران هویت فردی بر امنیت ملی باید اشاره گردد که بروز ناسازواری و عدم انسجام در هنجارهای هویت‌ساز جمهوری اسلامی ایران و بالارفتن هزینه امنیتی این ناسازواری هویتی در داخل و خارج و تداوم دگرناپذیری هویتی در میان آن اضلاع، ضمن تشدید و تعمیق شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی در داخل و تضعیف مبانی هویت‌پرداز،

امکان پیگیری منافع ملی طبق آن مبانی هویتی را مخدوش و در ابتدای امر بحران هویت فردی بوجود می‌آورد که این موضوع خود امنیت ملی را تحت الشعاع قرار می‌دهد و اگر برای این کاراکتر نظام سیاسی چاره‌ای پیدا نکند بحران هویت به سطح گروه‌های اجتماعی نفوذ می‌کند و طیف گسترده‌ای از گروه‌های صنفی و سیاسی از این ناسازواری هویتی دچار بحران هویت می‌شوند و امنیت ملی در آستانه وضعیت قرمز قرار می‌گیرد.

بحران هویت مهم‌ترین آسیب اجتماعی امروز جهان است. بحران هویت در احساس تردید و ناامنی نمود می‌یابد. در جریان جهانی‌شدن و پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات، قرارگرفتن فرهنگ‌های خاص در درون فضای اجتماعی بسیار گسترده و پهناور و نسبی‌شدن حاصل از آن، دنیایی فارغ از اصول عام و مطلق پدید می‌آورد و بنیادهای هرگونه یقین و قطعیت معناساز و هویت‌بخش را متزلزل می‌سازد این متزلزل، در واقع تزلزل پایه‌های باور و ایمان است (Lyon, 1999).

فرهنگ، بنیان اساسی هویت ملی کشور است. نتیجه از خودبیگانگی افراد، دوری از فرهنگ خود و عدم تثبیت ارزش‌های ملی^۳ است و با گسترش از خودبیگانگی، هویت ملی آنها تضعیف و فراموش خواهد شد (قربانزاده‌سوار و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۹)؛ این پدیده با متزلزل ساختن بنیان‌های ارزشی کشور می‌تواند تهدیدی علیه امنیت ملی کشور باشد.

نقش رسانه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری بحران هویت اجتماعی در ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی

هویت دارای ابعاد و جنبه‌های متفاوتی است، مهمترین بعد هویت، بعد اجتماعی آن است که بر سایر ابعاد هویت حاکمیت دارد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند «هویت ملی» قرابت زیادی با هویت اجتماعی دارد. هویت ملی هم دارای بعد فردی یا ذهنی و هم دارای بعد جمعی است. در حالت اول تعریف این نکته را که ما به عنوان افراد چه کسی هستیم، روشن می‌سازد و در حالت دوم کمک می‌کند تا هر یک از ما را در زمینه‌ای از روابطمان با دیگران و در یک جامعه وسیع‌تر که به آن تعلق داریم، تعریف کند (Purdie & Wilss, 2007: 68).

یک هویت ملی مشترک می‌تواند به نحوی توافق عامه مردم را به دست آورد که همین امر، مشروعیت دولت و نظام قانون را تقویت و حفظ می‌کند. تلاش برای ایجاد یک هویت ملی مشترک، همچنین ممکن است توسط کنشگران سیاسی در سطوح خردتر و به نام یک اجتماع ملی مشخص در درون دولت صورت گیرد. در واقع هویت ملی توسط کنشگران سیاسی و گفتمان‌های نخبگان سیاسی پرورش می‌یابد و حفظ می‌شود.

(Henderson & McEwen, 2005: 173-174).

³. National Values

بحران هویت، بعد داخلی امنیت را با تهدید مواجه ساخته و در نهایت امنیت ملی کشور را دچار مشکل می‌کند. کشوری که دچار بحران هویت باشد، دائماً درگیر مسائل داخلی خود بوده و انرژی و سرمایه‌های مادی و معنوی آن در مسیر رشد، شکوفایی و بالندگی هزینه نخواهد شد (داوودی و ملکی، ۱۳۹۳: ۱۹).

رسانه‌های غربی در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ با هدف خدشه‌دار نمودن مشروعیت و هویت انقلاب اسلامی با ابزارهای مختلف علاوه بر شبکه‌های اجتماعی وارد عمل شدند. به عنوان مثال شبکه‌های فارسی و انگلیسی بی‌بی‌سی به عنوان سه دمدار، آن مه ح جدید، که هدف را در مشوش نشان دادن نتایج انتخابات و ضربه به مشروعیت نظام و انتخابات بود، آغازگر چالش‌های مسالمت‌آمیز در قالب بیانیه‌ها بشمار رفته و دور جدید جنگ روانی سیاسی را آغاز کردند و با بسترسازیهای مناسب و در برهه‌های زمانی برنامه‌ریزی شده، اهداف خود را طرح و اجرا نمودند و به تدریج بسترهای مورد نیاز را برای ایجاد بحران‌های سیاسی فراهم نمودند. شبکه بی‌بی‌سی فارسی لحظه‌به‌لحظه در جهت مشوش نشان دادن نتایج انتخابات آن را پررنگ پخش می‌نماید (زابلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۶).

در حوادث ۱۳۸۸ رسانه‌های غربی با ایجاد جنگ روانی از طریق ایجاد بحران مشارکت از طریق انگیزه‌زدایی و دلسرد کردن مردم برای حضور در عرصه انتخابات وارد عرصه شدند. در حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸، رسانه‌های غربی نقشی بی‌نظیر در القای تقلب در انتخابات و فرمایشی بودن آن ایفا کردند. این رسانه‌ها با مشروعیت‌زدایی از ساختار حاکمیتی نظام بر امنیت ملی تأثیر گذاشتند. رسانه‌های اجتماعی با طرح ادعاهایی مانند تمامیت‌خواهی حکومت، نقض حقوق بشر، سرکوب آزادی بیان، تشدید محدودیت بر مطبوعات، تضییع آزادی گروه‌های سیاسی - اجتماعی، صنفی، تشدید محدودیت اقوام مختلف، زنان، دانشجویان و بازداشت بعضی افراد، القای شکاف بین مردم و رهبران، القای نبود حمایت مردمی و مشروعیت‌بخشی به تصمیم‌های رهبران و... درصدد به چالش کشیدن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران بودند و در نهایت انسجام‌زدایی ساختاری از جامعه ایران را در دستور کار خود قرار دادند. تخریب انسجام اجتماعی یکی از اهداف و نشانه‌های اصلی رسانه‌های غربی بوده است. برای انجام این کار، عواملان جنگ نرم تلاش کردند لایه‌های جامعه را بر مبنای دیدگاه‌های معارض با نظام سیاسی ایران به تکاپو وادارند و علیه نظام تهییج کنند. همچنین گروه‌ها و مجموعه‌های پنهان در جامعه برای ایجاد تضاد و منازعه اجتماعی و شکستن انسجام اجتماعی شکل گرفتند. در نتیجه پس از انتخابات شاهد بی‌ثباتی در ایران بودیم. در این مرحله، جنگ نرم دشمن بیشتر وجه عملیاتی به خود گرفت و از سطح روانی و تبلیغاتی فراتر رفت و به شکل رفتارهای معارضانه تجلی یافت (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۲).

متأثر از رسانه‌های غربی، دامنه خشونت خیابانی در سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ در جامعه ایران گسترش یافت که یکی از جدی‌ترین آسیب‌های وارده بر امنیت ملی به شمار می‌رود. به طور معمول خشونت خیابانی از جمله مسایل اجتماعی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از نفرت و مکدر کردن روابط انسانی در بین اقوام مختلف، امنیت کشور را از جنبه‌های مختلف تهدید نموده و به نوعی انسجام جامعه را با مشکل روبرو می‌سازد.

مهمترین هدف خشونت‌ها و نابهنجاری‌ها خدشه‌سازی به بنیان‌های مشروعیت نظام جمهوری اسلامی بوده است، در این راستا گردانندگان، از طریق رسانه‌های غربی، اقدام به بحران‌سازیهایی سیاسی نموده که اصلی‌ترین بازخورد آن در جامعه ایران ایجاد تزلزل و بحران مشروعیت در نیروهای وفادار به انقلاب و نوعی بحران هویت در میان توده‌های مردمی و انقلابی بوده است (خواجه سروی و بردبار، ۱۳۹۴: ۹۰).

حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸ در ابعاد خارجی و داخلی امنیت ملی کشور را دچار چالش نمود. در بعد خارجی، چهار عامل گسترش دامنه فشارها و تحریم‌ها، باج‌خواهی در پرونده هسته‌ای ایران، تغییر رفتارهای دیپلماتیک انگلیس و غرب در قبال ایران و نهایتاً تحریک اعراب به اتخاذ مواضع چالش‌انگیز علیه ایران مهمترین چالش و بازخورد از حوادث انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ به شمار می‌آید. در بعد داخلی نیز مواردی همچون خدشه‌سازی به قانون اساسی ایران، ایجاد ساختارشکنی‌ها و القای تشویش‌های ذهنی، افزایش دشمنان انقلاب به براندازی نظام اسلامی، ایجاد شکاف‌های عظیم هویتی در میان جامعه، خسارت‌های فراوان اقتصادی، ایجاد نگرانی در میان وفاداران به انقلاب را می‌توان ذکر نمود (خواجه سروی و بردبار، ۱۳۹۴: ۸۰-۷۴).

بکار بردن شعارهای ساختارشکن، تلاشی برای از بین بردن مرزها و حرمتها و عبور از خط قرمزها بود. در واقع مخالفت صریح با میثاق ملی و اصول مسلم آن بوده است. به عنوان مثال اصل ۱۵۴ قانون جمهوری اسلامی تصریح می‌کند که: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». شعار «نه غزه- نه لبنان»، مخدوش کردن این منطق و خط‌مشی، آثار و دستاوردهای آن بود. طراحی ساختارشکنی‌های مذکور، جمهوریت نظام را نیز نشانه رفت و در واقع یکی از وجوه بارز پیامد آشوب سال ۱۳۸۸، تشکیک در جمهوریت نظام و زیر سؤال بردن ساختار انتخاباتی کشور بود (بردبار و خواجه سروی، ۱۳۹۴: ۸۵).

بدین ترتیب مشاهده می‌گردد که یکی از ابعاد مؤثر بر هویت اجتماعی تأثیر رسانه‌های غربی است که در این زمینه برخی از پتانسیل‌های موجود همچون وجود شکاف‌های مختلف در کشور نیز اثرگذار بود و از این رهگذر با هدف قرارگرفتن مشکلات موجود در کشور زمینه شکل‌گیری جنبش‌های مختلف فراهم آمد.

نقش رسانه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری بحران هویت در سطح ساختار در ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی

بحران هویت در سطح فردی و اجتماعی باعث رخنه بحران هویت به سطح ساختار قدرت می‌شود. بحران هویت در این سطح، نوعی بیگانگی در بین کارگزاران بوجود آورده و با عنایت به غیریت‌سازی هویت رقیب به تسلط هویتی دگرهویتی در می‌آیند. در این سطح کارگزاران سست‌های هویتی خود را فراموش می‌نمایند. در ساختار قدرت در خصوص آینده دولت ذهن کارگزاران مشوش شده و همچنین درباره آینده آن دچار تزلزل می‌شود و همین مولفه حوزه تصمیم‌گیری را با مشکلی اساسی مواجه می‌کند. اما اگر به زیرساخت‌های هویتی ایرانیان باتوجه به مقتضیات زمانه و

تعامل عقلانی با دیگر هویت‌های جهانی صورت نگیرد و بحران هویت در سطوح فردی و گروه‌های اجتماعی کنترل نشود بحران هویت ساختار قدرت را فراگرفته و نظام جمهوری اسلامی را با بحران امنیت ملی مواجه می‌کند (باهوش فاردقی، ۱۳۹۶: ۱۱۰). به عبارتی در این حالت بحران هویت سیاسی شکل گرفته و امنیت نظام را مورد تهدید قرار می‌دهد. بحران سیاسی حالتی است که در نتیجه آن ثبات و توازن نظام سیاسی و اجتماعی برهم می‌خورد.

فاکتوری که در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ تأثیر چشمگیری بحران هویت سیاسی در سطح داخلی (در سطح کارگزاران دولتی) داشته است، استفاده از رسانه‌های غربی است. این مسأله بحران اقناع‌سازی در سطح نظام را نیز شامل می‌گردد. بحران اقناع‌سازی افکار عمومی به مفهوم عدم‌اعتماد کافی مردم به توجیهات نظام سیاسی درباره مسائل و رویدادها و عدم‌اعتماد مردم به نظام اطلاع‌رسانی دولت می‌باشد. از پدیده‌های عدم‌اقناع‌سازی، روی آوردن مردم به رسانه‌های غربی و پیامها و امواج رادیوهای بیگانه بوده که در نتیجه به بحران هویت منجر شد و جامعه را آماده پذیرش هرگونه شایعه نمود. از سویی قانع‌نشدن مردم در برابر توضیحات، نشانی از بی‌اعتمادی و در واقع پایین‌بودن مشروعیت سیاسی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، یکی از علائم بی‌اعتمادی، میزان مقاومت افکار عمومی در برابر توجیهات نظام است. از اینرو، بین اعتماد و مقاومت مردم برای عدم‌پذیرش رابطه‌ای معکوس وجود دارد (قائدی، ۱۳۸۶: ۲۰) که این مسأله باعث تهدید امنیت ملی کشور می‌گردد. رسانه‌های غربی از طریق فرهنگی و از طریق قدرت نرم وارد عمل شده و امنیت ملی را با مخاطره روبه‌رو ساختند. این، پدیده‌ای است که در جریان‌ات سیاسی و حوادث سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ رویت شده است.

لازم به یادآوری است که از منظر حاکمیتی و امنیت دولت‌محور، حفظ هویت فرهنگی به عنوان یکی از ابزارهای مهم قدرت ملی نیز محسوب می‌شود و دولت احساس می‌کند که بخش مهمی از تهدیدات نرم نیز برعلیه قدرت ملی، سازماندهی و اجرا می‌شود که از طریق رسانه‌های خارجی و سایر ابزارهای تبلیغی و فرهنگی کشورهای حریف و رقیب دنبال می‌گردد (حاجیان، ۱۳۹۵: ۲۲).

تأثیر رسانه‌های غربی در ایران باعث بحران هویت در سطح کارگزاران دولتی به صورتی اشکالی همچون بیگانگی در بین کارگزاران و غیریت‌سازی هویت رقیب، فراموشی سنتهای هویتی در سطح کارگزاران نمود پیدا کرد. این مسائل در حوادث سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ نیز نمود پیدا کرده است.

بیگانگی در بین کارگزاران و غیریت‌سازی هویت رقیب

برخی صاحب‌نظران معتقدند که در سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ شاهد شکل‌گیری یک هویت اجتماعی اسلام سیاسی در برابر هویت اسلام پسا-سیاسی هستیم. در دوران پس از انتخابات ۱۳۸۸ حق رأی به کانون اصلی اختلافات دو هویت اسلام سیاسی و اسلام پسا-سیاسی تبدیل شد. اعتراضات انتخاباتی نه تنها هویت اسلام پسا-سیاسی بلکه هویت اسلام سیاسی را هم تحت تأثیر قرار داد و آن را وارد مرحله تازه‌ای کرد (قهرمانپور، ۱۳۹۶: ۳۳۶).

این بحران در ابتدا ناشی از بیگانگی و انشقاق در میان کارگزاران سیاسی بود. به زعم صاحب‌نظران وضعیت ایران در دوره اخیر بویژه در قلمرو زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ نمایانگر رویارویی دو هویت گروهی اسلام سیاسی و هویت اسلام پسا‌سیاسی بوده است. وضعیت این دو نوع هویت به گونه‌ای بوده است که مانع از مسلط شدن هویت اسلام پسا-سیاسی شده و هم مانع از بازتولید هویت مسلط و کنار گذاشتن هویت رقیب شده است. اولی قدرت و دومی مقبولیت دارد، اولی مورد حمایت طبقات سنتی و مذهبی است و طبقه متوسط در حال ظهور از دومی حمایت می‌کند، اولی مورد حمایت طبقات سنتی و مذهبی است و طبقه متوسط در حال ظهور از دومی حمایت می‌کند، اولی می‌خواهد علم و فناوری غرب را بگیرد اما با فرهنگ و سیاست آن مقابله کند، دومی می‌کوشد در میان مقاومت و تسلیم راه حلی پیدا کند که هم اصول اسلام آسیب نبیند و تعامل با جهان ممکن شود. اولی دنبال حقیقت است و دومی دنبال حق. اولی بر وظایف و تکالیف تأکید می‌کند و دومی بر حقوق شهروندان. اسلام پسا-سیاسی به معنای گذار از اسلام و نادیده گرفتن آن و پذیرش سکولاریسم نیست، بلکه می‌کوشد در کنار اسلام فضا را برای حضور و تحمل سکولاریسم نیز فراهم کند (قهرمانپور، ۱۳۹۶: ۳۸۵-۳۸۶). سکولاریسم و ارزش‌های سکولاریستی یکی از پیامدهای تبلیغ رسانه‌های غربی است که در بین کارگزاران نظام جمهوری اسلامی رخنه کرده است.

فراموشی سنتهای هویتی در سطح کارگزاران

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی دولتها و نظام جمهوری اسلامی همواره دغدغه حفظ ارزشها و فرهنگ ملی و دینی را داشته است (حاجیان، ۱۳۹۵: ۲۲)؛ با این وجود می‌توان گفت نخبگان سیاسی متأثر از ارزش‌پذیری از رسانه‌های غربی، از این ارزش‌ها فاصله گرفته‌اند و ارزشهایی در سطح ساختار قدرت مطرح شده است که با ارزش‌هایی انقلابی در تضاد آشکار است. به عنوان مثال تجمل‌گرایی و مادی‌گرایی نخبگان سیاسی با ارزشهایی همچون ساده‌زیستی و مستضعفگرایی که از ارزش‌های مورد تأکید در طول انقلاب اسلامی بود در تناقض است.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ در برخی موارد شاهد شکل‌گیری دو نوع از ارزشها در جامعه هستیم. ارزش‌هایی که به عنوان عناصر هویتی انقلابی مطرح می‌گردد و ارزش‌هایی که در تقابل با ارزش‌هایی انقلابی هستند. در مواردی نیز ارزش‌های حاکمیت با ارزش‌های توده‌های مردم یگانه و واحد نیستند. این امر می‌تواند منجر به فاصله‌گیری و شکاف بین حکومت و مردم شده و به خاطر ایجاد فاصله بین مردم و حکومت، سخنان و توصیه‌های نظام، چندان بر مردم اثرگذار نبوده و حکومت به نوعی دچار «بحران نفوذ» گردد. ناکارآمدی نخبگان حکومتی در حل مشکلات و معضلات مردم - افزایش تنش میان نخبگان سیاسی و فکری در جامعه در رقابت‌های سیاسی علت اتخاذ عدم تحمل رقبا (سیاست جمع‌جبری صفر) - در اولویت قرار گرفتن منافع شخصی سیاست‌مداران حکومتی و اولویت نداشتن منافع ملی و توده‌های مردم - توجه به اقشار ثروتمند و بالای جامعه و کم‌توجهی به اقشار محروم و مستضعف جامعه و... از جمله مواردی است که باعث تشدید بحران می‌گردد (قائدی، ۱۳۸۳: ۳۱). دو شقه شدن کارگزاران سیاسی در سطح نظام و رادیکالیزه شدن بخشی از گروه‌های آرمانگرا پافشاری بر آرمانگرایی از سوی دو طبقه افراطی از گروه‌های سیاسی آنها را در تعارض با وضع اجتماعی موجود می‌کشاند. بر این اساس

افرادی حامی هر یک از گروه‌ها که وضعیت اجتماعی و فرهنگی موجود را نمی‌توانند تحمل کنند لاجرم به سمت افراط‌گرایی کشیده می‌شوند، به نحوی که برای اصلاح جامعه جز پرخاشگری و بر خورد قهرآمیز راهی را نمی‌یابند (Crigler, 1988: 111-132).

یکی از سنت‌های هویتی این نظام حفظ انسجام بین کارگزاران به نفع مصالح نظام است؛ مسأله‌ای که در دوره مذکور در میان کارگزاران سیاسی به کلی فراموش شده و به نفع پیروزی خود و حذف رقبا جامعه را با بحرانهای هویتی سیاسی روبرو ساخته‌اند. بیگانگی در بین کارگزاران و به تبع آن دو قطبی شدن جامعه و فراموشی سنت‌های هویتی سیاسی در سطح ساختار قدرت و از سوی کارگزاران سیاسی موجودیت سیستم سیاسی و امنیت ملی کشور را با تهدیدات و آسیب‌های جدی روبرو می‌سازد که مدیریت راهبردی آن می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد لذا در این مورد می‌بایست مکانیزم‌های حل این بحران‌ها ارائه گردد.

نتیجه‌گیری

در ایران در مقطع زمانی مورد مطالعه شاهد تأثیرات رسانه‌های غربی بر ابعاد فردی و اجتماعی هویت افراد هستیم. رسانه‌های غربی با ایجاد این بحران، اعتماد و احترام مردم را نسبت به نهادهای حکومتی ایران و دستگاه‌های اداری سلب نموده و منجر به ایجاد و افزایش بیگانگی و فاصله بین حکومتگران و توده مردم شده‌اند. نقطه اوج کاربرد تأثیرات رسانه‌های غربی طرح براندازی نظام جمهوری اسلامی، پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ بود. در حوادث ۱۳۸۸ رسانه‌های غربی با ایجاد جنگ روانی از طریق ایجاد بحران مشارکت از طریق انگیزه‌زدایی و دلسرد کردن مردم برای حضور در انتخابات وارد عرصه شدند. بکار بردن شعارهای ساختارشکن، تلاشی برای از بین بردن مرزها و حرمتها و عبور از خط قرمزها بود. در این دوران متأثر از رسانه‌های غربی طی روند جهانی شدن، نظام جمهوری اسلامی، در سطح ساختار نیز با مشکلات هویتی روبرو است. از جمله این مشکلات، تقابل اسلام سیاسی و پسااسلام سیاسی و نیز ویژگی جناحگرایی و چالش‌هایی از جمله عدم اعتقاد برخی از مسئولین به انقلابیگری یا مبارزه با استکبار و... و عدم اعتقاد به ارزش‌های اسلامی به مثابه جایگزین شدن این ارزش‌ها با ارزش‌های وارداتی از طریق رسانه‌های غربی در طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ هستیم. بحران هویت در سطح ساختار، بحران اقلان‌سازی در سطح نظام را به دنبال دارد که این بحران به مفهوم عدم اعتماد کافی مردم به توجیهات و توضیحات نظام سیاسی درباره مسائل، حوادث و رویدادها و عدم اعتماد مردم به نظام اطلاع‌رسانی دولت می‌باشد که این مسأله نیز خود منجر به رویگردانی مردم از سیستم اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای داخلی به سمت رسانه‌های غربی شد. قانع نشدن مردم در برابر توضیحات نظام داخلی، نشانی از بی‌اعتمادی و در واقع پایین بودن مشروعیت سیاسی محسوب می‌شود که این مسأله باعث تهدید امنیت ملی کشور گردید. بیگانگی در بین کارگزاران و غیریت‌سازی هویت رقیب یکی از نمودهای بحران هویت در سطح ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران است. این بحران در ابتدا ناشی از بیگانگی و انشقاق در میان کارگزاران سیاسی بود. متأثر از رسانه‌های غربی سنتهای هویتی حتی در سطح کارگزاران نیز نمود پیدا کرد. این امر منجر به فاصله‌گیری و شکاف بین حکومت و مردم شده و به خاطر ایجاد این فاصله، سخنان و توصیه‌های نظام،

چندان بر مردم اثرگذار نبوده و حکومت به نوعی دچار بحران نفوذ گردید. دوشقه‌شدن کارگزاران سیاسی در سطح نظام و رادیکالیزه شدن بخشی از گروه‌های آرمانگرا پافشاری بر آرمانگرایی از سوی دو طبقه افراطی از گروه‌های سیاسی آنها را در تعارض با وضع اجتماعی موجود کشاند. بدین ترتیب بیگانگی در بین کارگزاران و به تبع آن دوقطبی شدن جامعه و فراموشی سنت‌های هویتی سیاسی متأثر از رسانه‌های غربی، در سطح ساختار قدرت و از سوی کارگزاران سیاسی، موجودیت سیستم سیاسی و امنیت ملی کشور را با تهدیدات و آسیب‌های جدی روبرو ساخت.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۷) دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید..
- امینیان، بهادر؛ نوشین تیمورپور (۱۳۹۱) رسانه، هویت ملی و امنیت ملی؛ با تأکید بر جامعه ایران، مطالعات راهبردی بسیج، سال پانزدهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۹۱.
- باهوش فاردقی، محمود (۱۳۹۶) بررسی مفهوم یا استعاره امنیت ملی در نظریه سازه‌نگاری، سیاست، سال چهارم، شماره چهاردهم.
- بوزان، باری (۱۳۹۰) مردم، دولتها و هراس، ترجمه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۵) امنیت هویت: مبانی و چارچوب مفهومی (امنیت هویت: مبانی و چارچوب مفهومی مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۴، زمستان).
- حسینی، حسین؛ مقدم فر، حمیدرضا؛ قنبرپور، مصطفی (۱۳۹۳) واکاوی نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، پاییز ۱۳۹۳.
- خواجه سروی، غلامرضا؛ بردبار؛ احمدرضا (۱۳۹۴) نقش انگلستان در ایجاد بحرانهای سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ در ایران، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۴۳.

- داودی، ابراهیم؛ ملکی، عباس (۱۳۹۳) بحران هویت و تأثیر آن بر امنیت فرهنگی و اجتماعی در ایران، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، سال نهم، شماره سی‌ام، بهار ۱۳۹۳.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷) چارچوب مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۲) اصول روابط بین‌الملل، تهران: میزان.
- عبدالهی، محمد (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی بحران هویت: مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران با جهان، نامه پژوهش، سال اول، ش ۲ و ۳.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۰) طبقات اجتماعی و رژیم شاه، تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی.
- قائدی، محمدرضا (۱۳۸۳) مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی، فصلنامه راهرو، شماره ۳۱ بهار.
- قائدی، محمدرضا (۱۳۸۶) بحران هویت در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، سمینار هویت ملی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز گروه علوم سیاسی.
- قربان‌زاده سوار، قربان‌علی؛ رحمتی، مهدی؛ ناطقی، هاشم (۱۳۹۵) رسانه و هویت ملی (تأثیر رسانه بر شاخص‌های هویت ملی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، رسانه و فرهنگ، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان.
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۹۶) بررسی چهارده تحول خواهی در ایران، تهران: روزنه.
- قهرمانپور، رحمن (۱۳۹۴) هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه، تهران: روزنه.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) عصر اطلاعات، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- کاوسی، اسماعیل؛ حسین‌زادگان، زهره (۱۳۹۰) حفظ هویت ایرانی-اسلامی در فرآیند جهانی‌شدن، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی‌شدن) دوره ۲، شماره ۳.
- گریفیس، مارتین (۱۳۸۸) دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، مترجم: علیرضا طیب، تهران: نی.
- لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۵) حکومت، مشروعیت و کارآمدی، سروش، ۲۷ بهمن ۱۳۷۵، شماره ۸۲۵.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹) جنگ نرم، انقلاب‌های رنگی و دیپلماسی عمومی، مجله راهبرد دفاعی، ۸ (۲۸).
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶) تحلیل سیاست خارجی ایران از منظر سازه‌نگاری «در نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- نظری، علی اشرف (۱۳۹۰) مدرنیته و هویت سیاسی در ایران. تهران: میزان.

- Castells, Manuel (2010). *The Power of Identity*, Oxford, Blackwell.
- Chena, Salim (2008) "L' E Cope De Copenhaguen Relations Internationales", in *Revue Asylon*, No. 4.
- Henderson, A. & McEwen N. (2005) *Do Shared Values Underpin National Identity? Examining the Role of Values in National Identity in Canada and the United.*
- Hymans, Jacques E. C (2002), *Applying Social Identity Theory to the Study of International Politics: A Caution and an Agenda*, Paper originally prepared for presentation at the International Studies Association convention, New Orleans, Louisiana.
- Lyon, D. (1999) *Postmodernist*, Open University Press.
- Nye, J. (2008), *The Powers to Lead*, NY Oxford University Press.

- Onuf, N , (1994), *The Constitution of International Society*, The American University School of International Service, Washington D,C .
- *Political communication* edited by Crigler . Ann Arbor (1988) Chicago University press.
- Purdie, N. & Wilss, L. (2007) “Australian National Identity: Young Peoples , Conceptions of What It Means to be Australian”, *National Identities* Vol. 9, No. 1.
- Tileaga, Cristian (2008). “National Commemoration, Collective Memory and Managing Authenticity in the Representation of a Political Event”, *Discourse & Society*, Vol.19.
- Waever, Ole, (2002) « Identity, communities and foreign policy: Discourse Analysis as Foreign policy Theory In European integration and national Identity », London, Routledge.

خبرگزاری

— زابلی‌زاده، اردشیر (1390) بی‌بی‌سی فارسی و انتخابات 88 ایران، تهران: خبرگزاری فارس.